

یکی از معتبرترین منابع تفسیر قرآن میان
عامه و خاصه وارزنده‌ترین اثر باقیمانده اندیشه
معتزله که اغلب قریب به اتفاق مفسران تحت تأثیر
ونفوذ آن واقع شده‌اند تفسیر جامع وارزنده کشف
زمخشری است .

علامه زمخشری خوارزمی ، این
دانشمند پرتوان ایرانی الاصل جهان اسلام آثاری
بجای گذارد که هر یک در فن خود منبع فیاضی
است که قدما و متأخران از آن سیراب گشته‌اند .
یکی از آن آثار باقیه کتاب تفسیر او است که به حق
سزاوار است از زوایای متعدد و از نظر تأثیر بر روی
مفکران و مفسران اسلامی خصوصاً شیعی مورد
تعمق قرار گیرد .

در این مقاله آقای دکتر سید مرتضی
آیت الله زاده شیرازی دانشیار گروه فرهنگ
عربی و علوم قرآنی و سرپرست انتشارات دانشکده
الهیات در زمینه بررسی منابع عمده تفسیر
کشف یعنی در یک جهت از روایای کشف تحقیق
کرده که امید است مورد استفاده علاقه‌مندان قرار گیرد .

« مقالات و بررسیها »

دکتر مرتضی آیت الله زاده شیرازی

گروه فرهنگ عربی و علوم قرآن

بررسی در منابع عمده کشاف

کمتر تفسیری میان تفاسیر عامه و خاصه می توان یافت که از نظر جامعیت و مرجعیت به اعتبار و پایه تفسیر کشاف زمخشری بوده و در میان انبوه کتب تفسیر این همه معتبر باشد، این تفسیر یکی از آثار جاوید جا را الله است که از زمان تألیف تا به امروز مرجع دانشمندان اسلامی و مفسران قرآن است، شروح و حواشی متعدد، رد و انتقادهائی که بر این تفسیر شده خود نموداری از این اهمیت است.

اغلب قریب به اتفاق مفسران شیعی و سنی برای درك جنبه های بلاغی و ادبی قرآن از کشاف مدد گرفته و می گیرند، نام این کتاب که «الكشاف عن حقائق التنزیل و عیون الاقاویل فی وجوه التأویل» می باشد تألیف آن به سال ۵۲۶ هـ ق درمکه آغاز شد و در ۵۲۸ هـ ق به اتمام رسید و مؤلف آن در مقدمه تفسیر می گوید: این تفسیر را در زمانی برابر بامدت خلافت ابوبکر به پایان رسانیدم، حال آنکه کاری بود به مدت سی سال، و همانگونه که در مقدمه می گوید، طبق معمول و سنت قدما، تألیف کتاب بدرخو است و الحاح گروهی از فضلاء - اهل عدل - معتزله انجام گرفته و آن را به نام ابوالحسن علی بن حمرة بن وهاس

امیر مکه تصدیق نموده است^۱.

دانشمندان اسلامی در ادوار مختلف در باره تفسیر کشاف متفق القول نبوده اند، گروهی آن را مدح نموده و گروهی دیگر به قدح آن پرداخته و بدعتش خوانده اند و دسته ای دیگر فارغ از این همه قیل و قال به تحشیه و شرح آن پرداخته و بمنظور ازراهی نحوه تفکر دانشمندان نسبت به این تفسیر مختصر گونه ای از اقوال آنان را نقل می کنیم.

قمی (ت بعد از ۸۰۰ هـ ق) در تفسیر خود به نام «تفسیر نيسابوری» در مقام بیان استفاده از کشاف چنین گوید: «این تفسیر [تفسیر نيسابوری] جامع بسیاری از تفاسیر عمده می باشد از جمله مشتمل است بر قسمت اعظم از تفسیر کشاف و اکثر احادیث و وجوه قراءات نیز از کشاف زمخشری منقول است^۲».

ابن خلدون، (ت ۸۰۸ - ۷۳۲ هـ ق)، گوید: «ارزنده ترین تفسیر قرآن که بلاغت و اعجاز آن را در حد کمال بررسی کرده است همان تفسیر کشاف می باشد که مطالعه ای آن برای علما ضرورت دارد. این تفسیر که از جهت نکات بیانی قرآن منحصر به خود بوده و از دیگر

۱ - زمخشری، تفسیر کشاف، مقدمه چاپ مصطفی حلی، قاهره،

۱۳۶۷ ۱۹۴۸ م.

۲ - سبکی، مبدأ النعم و مبدأ النقم، ص ۱۱۴، ۱۱۵، چاپ لیدن؛

قمی، تفسیر نيسابوری در حاشیه تفسیر طبری ج ۱ ص ۴۰.

تفسیر گوی سبقت را ر بوده است»^۳.

چون زمخشری در تفسیر خود از طریق تأویل آیات به دفاع از عقاید و افکار معتزله پرداخته و آیه‌های قرآن را با اصول کلامی معتزله تطبیق داده است سخت مورد انتقاد گروهی از دانشمندان و مفسران قرار گرفته است. و بیشتر ایشان یا اشعری مذهب بوده‌اند و یا مخالفان اصول کلامی معتزله که زمخشری نیز در مناسبات مختلف آنان را مورد تاخت و تاز قرار داده و آراء آنها را تخطئه کرده است^۴. اما همین مخالفان سرسخت در برابر دانش و اندیشه‌ی زمخشری سر تعظیم فرود می‌آورده‌اند و سه بیت زیر خود نمونه‌ای از نحوه تفکر تعصب آمیز آنان می‌باشد:

عجباً لحبر فی البلاغة ذائق

علم الفصاحة فرده و مؤلفه

جمع المعانی والبیان مکشفاً

اسرار قرآن باکمل معرفة

واضله الله العظیم فزاع عن

سنن الصوب وحاد عنه وحرّفه^۵

ابن تیمیّه (ت. ۸۲۸ ه. ق) یکی از بزرگان علمای تسنن

۳- ابن خلدون، مقدمه، ص، ۳۸۲، ۳۸۴ چاپ مکتبه البهیه قاهره،

ابن خلکان، تاریخ ج ۱، ص ۴۸۶

۴- ابن منیر اسکدرانی، تعلیقات بر تفسیر کشاف.

۵- قاضی عیاض، ازهار الرياض، ج ۳ ص ۲۹۱.

زمخشری را به سبب داشتن معتقدات اعتزالی سخت نکوهش می کند و افکار وی را بدعت می خواند.^۶

تاج الدین ابونصر عبدالوهاب سبکی، (ت، ۷۷۱ هـ ق)، در آنجا که سخن از تفسیر کشاف به میان است، زمخشری را به سبب داشتن معتقدات اعتزالی مورد انتقاد قرار داده و افکار وی را بدعت و مطرود می داند، اما در عین حال نمی تواند منکر عظمت تفسیر وی شود او می گوید: کشاف در زمینه تفسیر قرآن کتاب بسیار ارزنده و مؤلف آن در فن خود پیشوا و مقتدا است اما او بدعتها آورده و متجاهر به آنها است و نسبت به اهل تسنن و جماعت بی احترامی روا می دارد، لذا بایستی تمام این حشوها از کشاف حذف شود، سپس سبکی می افزاید، مخالف و موافق بر آنند که تفسیر کشاف دریایی است از علوم معقول و منقول و در روزگار ما ایرانیان به خواندن آن اشتیاق فراوان از خود نشان می دهند، و اما از پیران ما آن کسانی می توانند در آن بنگرند که در استحکام عقیدت به پایه ای باشند که شبهات قدریه آنان را از راه راست منحرف سازد.^۷

معین الدین ایچی صفوی، (ت، ۹۰۵ هـ ق) در مقدمه تفسیر خود به نام «جوامع التبیان» از این لحاظ زمخشری را مورد انتقاد قرار می دهد که وی تفسیر به رای را بر تفسیر مأثور رجحان داده است

۶- حاجی خلیفه، کشف الظنون ج ۱ ص ۱۴۸؛ ابن تیمیه، مقدمه فی

اصول التفسیر

۷- مبدأ النعم و مبدء النقم، ص ۱۱۴، ۱۱۵ چاپ لندن

و نیز می افزاید: « زمخشری و پیروان وی از نقل معانی مأثور و منقول از رسول ﷺ و صحابه اعراض می ورزند^۸ .

محمد باقر خوانساری، (ولادت، ۱۲۲۶- فوت ۱۳۱۳ هـ ق)

در کتاب «روضات الجنات» داستانی نقل می کند که: زمخشری پس از اتمام تفسیر، آن را نزد امام محمد غزالی می برد تا بر آن صحه گذارد، غزالی از جا رانده می پرسد «ایاک نستعین» را چگونه تفسیر کرده ای؟

زمخشری می گوید: بنا بر تقدیم مفعول و افاده ی حصر. غزالی می گوید: تو از قشرون هستی، زمخشری از این دیدار و ملاقات احساس ندامت می کند و بیرون می آید. در مجموع بودن این داستان لازم نیست به خود زحمتی بدهیم زیرا غزالی در سال ۵۰۰ هـ ق در گذشت و زمخشری تفسیر را در ۵۲۸ هـ ق به پایان رسانید و ظاهراً مرحوم خوانساری را در این باره سهوی رخ داده است.

پس از این مقدمه به اصل موضوع، یعنی، بررسی منابع عمده تفسیر کشف می پردازیم تا به بینیم زمخشری از چه منابعی الهام گرفته و تا حدود امکان وسعت فرهنگ و جهان بینی او برای ما روشن گردد. زمخشری به شیوه قدما به هنگام نقل مطالب به ذکر همه ارجاعات نمی پرداخته است لذا در این جا بدان مقدار از منابع که کشف آنها میسر گردید اشاره می نماییم.

۸- سر کبیس عواد، المعجم ج ۱، ص ۵۰۰، ۵۰۱.

۹- خوانساری، روضات الجنات، ص ۵۶۲ چاپ طهران.

۱- منابع ق. اءات :

أ - اجتهاد شخصی و گاه استناد به اقوال صحابه و تابعین و مصاحف زیر بوده است :

- ب - مصحف ، عبدالله بن مسعود^{۱۰} .
 ج - مصاحف مردم حجاز و شام و عراق^{۱۱} .
 د - مصحف ، امی بن کعب^{۱۲} .
 ه - مصحف ، حرث بن سويد^{۱۳} .
 و - و برخی مصاحف دیگر که با عبارت « و فی بعض المصاحف » بدانها اشاره می کند^{۱۴} .

۲- منابع لغت و نحو :

- أ - الكتاب سیوییه (ت ۱۸۹ هـ ق) که از آن بسیار نقل قول می کند و با احترام از وی یاد می نماید^{۱۵} .
 ب - اصلاح المنطق ابن السکیت (ت ۲۴۴ هـ ق) و گاهی سخت وی را مورد انتقاد قرار می دهد^{۱۶} .

۱۰ - کشاف ، ج ۲ ص ۲۷۸ .

۱۱ - پیشین ، ج ۲ ص ۵۰ ، ج ۲ ص ۸۰ ، ج ۲ ص ۳۴۱ .

۱۲ - پیشین ، ج ۲ ص ۲۹۵ .

۱۳ - پیشین ، ج ۲ ص ۳۸۷ .

۱۴ - پیشین ، ج ۱ ص ۴۶۲ ، ۴۹۰ ، ۵۱۰ .

۱۵ - پیشین ، ج ۱ ص ۱۱۷ ، ۱۷۱ ، ۱۹۲ ، ۲۰۹ .

۱۶ - پیشین ، ج ۱ ص ۲۸۲ ، ۴۴۵ .

- ج - الكامل ، مبرد (ت ۳۸۵ هـ ق)^{۱۷} .
 د - المتمم در خط هجاء ، تألیف عبداللہ بن درستویہ (ت ، ۳۴۷ هـ ق)^{۱۸} .
 ه - کتاب الحجۃ ، ابوعلی فارسی (ت ۳۷۷ هـ ق)^{۱۹} .
 و - کتاب الحلیات ، ابوعلی فارسی^{۲۰} .
 ز - کتاب التمام ، ابن جنی (ت ۳۹۲ هـ ق)^{۲۱} .
 ح - کتاب المحتسب ، ابن جنی^{۲۲} .
 ط - کتاب الاقلید (مجهول)^{۲۳} .
 ی - التبیان ، ابو الفتح ہمدانی^{۲۴} .
 ک - وافرادی از قبیل کسائی ، یونس ، خلیل واصمعی وغیرہ^{۲۵} .

۳- منابع ادب :

أ - الحيوان جاحظ^{۲۶} .

- ۱۷- پیشین ، ج ۱ ص ۲۵۱ ، ج ۲ ص ۲۷۶ ، ۱۴۰ .
 ۱۸- همان ، ج ۱ ص ۲۷۶ .
 ۱۹- همان ، ج ۱ ص ۶۴ .
 ۲۰- همان ، ج ۱ ص ۲۶۰ .
 ۲۱- همان ، ج ۲ ص ۲۷۶ .
 ۲۲- همان ، ج ۲ ص ۲۹ .
 ۲۳- همان ، ج ۳ ص ۳۰۵ .
 ۲۴- همان ، ج ۳ ص ۱۳ .
 ۲۵- همان ، ج ۲ ص ۲۷۷ ، ۲۸۸ ، ۲۸۷ .
 ۲۶- کشاف ، ج ۱ ص ۱۶۰ ، ج ۲ ص ۴۴۹ .

- ب - کتب تاریخ بدون نام^{۲۷}
 ج - دیوان ، زمخشری^{۲۸} .
 د - نوابغ الکلم ، زمخشری^{۲۹} .
 ه - نصاب الصغار ، زمخشری^{۳۰} .
 و - شافی ، العی زمخشری^{۳۱}
 ز - حماسه ، ابو تمام^{۳۲} .
 و - استغفر واستغفری ، ابوالعلاء^{۳۳} .
 ط - ابن مقفع ، ابن المعتز وسایرین^{۳۴} .
 ۴- منابع فقه و حدیث :
 أ - صحیح ، مسلم^{۳۵} .
 ب - سنن ، بوداود^{۳۶} .

کمتر اتفاق می افتد که منابع حدیثی را در کشاف ذکر کند

- ۲۷- همان ، ج ۳ ص ۴۱۳ .
 ۲۸- همان ، ج ۱ ص ۲۶۰ .
 ۲۹- همان ، ج ۱ ص ۲۹۷ .
 ۳۰- همان ، ج ۱ ص ۲۶۸ .
 ۳۱- همان ، ج ۱ ص ۳۷۶ .
 ۳۲- همان ، ج ۲ ص ۴۳۰ .
 ۳۳- همان ، ج ۱ ص ۲۶۶ .
 ۳۴- همان ، ج ۲ ص ۴۵۰ ، ۳۱۴ .
 ۳۵- کشاف ، ج ۱ ص ۴۷ .
 ۳۶- همان ، ج ۲ ص ۱۳۴ .

زیرا خود حامل اجازه بوده و از طریق خود آنها را روایت می کرده است اما منابع فقهی او علاوه بر اجتهادات شخصی غالباً به آراء شافعی و ابو حنیفه استناد می نمود است^{۳۷}.

۵- منابع تفسیر :

- أ - تفسیر «مجاهد» (ت ۱۰۴ هـ ق یا ۱۰۳)^{۳۸}.
- ب - تفسیر عمرو بن عبید معتزلی (ت ۱۴۴ هـ ق)^{۳۹}.
- ج - تفسیر قتاده^{۴۰}.
- د - نظم القرآن جاحظ (ت ۲۵۵ هـ ق)^{۴۱}.
- ه - تفسیر ابوبکر اصم معتزلی (ت ۲۳۵ هـ ق)^{۴۲}.
- و - تفسیر معانی القرآن زجاج (ت ۳۱۱ هـ ق)^{۴۳}.
- ز - تفسیر زحانی (ت ۳۸۲ هـ ق)^{۴۴}.
- ح - تفاسیر خوارج و دیگر فرق^{۴۵}.
- ط - تفاسیر صحابه امثال ابن عباس و علی رضی الله عنهما و حسن بصری^{۴۶}.

۳۷ - کشاف، ج ۲ ص ۲۳۰.

۳۸ - همان، ج ۳ ص ۶، ۱۴۱۳، ۸۰، ج ۲ ص ۵۸۲، ۵۹۱، ۲۸۲.

۳۹ - همان، ج ۲ ص ۱۳۸، ج ۱ ص ۵۷۲.

۴۰ - همان، مقدمه کشاف.

۴۱ - همان، مقدمه.

۴۲ - همان ج ۱ ص ۵۷.

۴۳ - در صفحات آیند از آن بحث می شود.

۴۴ - در صفحات آینده از آن گفتگو می کنیم.

۴۳ - همان، ج ۲ ص ۱۴۶.

۴۶ - همان، ج ۲ ص ۲۱۰، ۲۶۷.

اما عمده ترین مأخذ زمخشری برای تفسیر معانی لغوی قرآن تفسیر زجاج بوده است و میان تفسیر زجاج و کشاف زمخشری ویژه گیهای مشترک می بینیم که مسلماً در مقام مقایسه معلوم است که زمخشری از تفسیر زجاج بسیار بهره گرفته است.^{۴۷}

و نیز یکی دیگر از منابع مهم تفسیری کشاف، تفسیر رمانی می باشد، گرچه نسخه کاملی از آن در اختیار نداریم اما از آنجا که شیخ طوسی (ت ۴۶۰ هـ ق) در تفسیر «تبیان» بسیاری از اقوال رمانی را نقل کرده است می تواند حلقه‌ی مفقوده باشد که تقریباً حاری اکثر تفسیر و آراء رمانی است.

بخش کتابهای خطی و میکروفیلم اتحادیه عرب در قاهره قسمتی از تفسیر رمانی را نگاهداری می کند که از روی نسخه قرن ششم هجری در مسجد الاقصی عکسبرداری شده است که شامل ۱۵۰ ورقه به قطع متوسط که آغاز و انجام آن ناقص است و با شماره (۱۶ - ۴۹۰) مشخص گردیده است.

در دار الکتب مصری تفسیری از جزء عمه موجود است که روی جلد آن با خطی حدید نام رمانی نوشته شده است که مسلماً خط مرحوم تیمور پاشا است. انتساب نسخه اتحادیه عرب به رمانی مسلم است اما انتساب نسخه دارالکتب مشکوک بنظر می رسد چون نسخه قبل برعکس

۴۷ - از این تفسیر فقط چهار جزء آن بدست آمده و در کتابخانه

مخطوطات اتحادیه عرب موجود است از سوره بس شروع و با سوره التین ختم می شود و دارای ۲۰۱ ورقه است

نسخه دار الکتب با آراء و افکار معتزله مطابقت می نماید اما نسخه دار الکتب مطالبی علیه آنها دارد و ما می دانیم که رمانی یکی از بزرگان معتزله بوده است. و یکی از معاصرین نسبت جزء عمه را به رمانی مسلم دانسته و نتایجی نادرست از آن استنباط کرده است.^{۴۸}

و دیگر از تفاسیری که امکان دارد زمخشری بر آن آگاهی یافته باشد تفسیر «تبیان» طوسی است که از نظر سبک و روش کار مانند تفسیر رمانی می باشد و در آن از مباحث لغوی و بلاغی و کلامی و فقهی قرآن بحث میکنند و از آنجا که شیعه و معتزله در پاره ای از اصول عقاید باهم نزدیکی دارند هیچ مستبعد نیست که زمخشری از این کتاب استفاده کرده باشد و یا لاقلاً بگوئیم که طوسی و زمخشری هر دو از يك منبع یعنی تفسیر رمانی اقتباس کرده باشند.^{۴۹}

در خاتمه بمنظور آراء هی کوشه ای از توجه دانشمندان به تفسیر کشف پاره ای از حواشی و تعلیقات و غیره که بر آن زده اند در ذیل می آوریم.

- ۱) علی الطوسی (م ۵۶۱ هـ) مختصر کشف، جوامع الجوامع.
- ۲) محمد بن علی الانصاری (م ۶۶۲ هـ) حذف موارد اعتزال.
- ۳) ناصر الدین بیضاوی (م ۶۹۲ هـ).

۴۸ - مصطفی الصاوی الجوبینی، منهج الزمخشری فی تفسیر القرآن

ص ۸۶ چاپ ۱۹۵۹ مصر.

۴۹ - کشف، ج ۲ ص ۴۱۸: تبیان ج ۲ ص ۳۶۰.

- (۴) أحمد بن منیر اسکندرائی (م ۶۸۳ هـ) الانصاف .
- (۵) علم الدین عراقی (م ۷۰۴ هـ) الانصاف تلخیص بدرالدین محمد المقرئ معروف بالقاذفی (م ۷۰۵ هـ) .
- (۶) قطب الدین شیرازی (م ۷۱۰ هـ) حاشیه بر الکشاف
- (۷) ابوعلی عمرسکونی (م ۷۱۷ هـ) ، (م ۷۲۰ هـ) ، نظام الدین نیسابوری .
- (۸) حاشیه شرف الدین الطیبی (م ۷۴۳ هـ) حاشیه درشن مجلد.
- (۹) أبو حیان اندلسی (م ۷۴۵ هـ) ردوائتقاد.
- (۱۰) حاشیه عمر فارسی قزوینی (م ۷۴۵ هـ) .
- (۱۱) احمد جاربردی (م ۷۴۶ هـ) حاشیه .
- (۱۲) تاج الدین احمد بن مکوم (م ۷۴۹ هـ) تلخیص .
- (۱۳) فاضل الیمنی (م ۷۵۰ هـ) .
- (۱۴) جمال الدین عبدالله (م ۷۶۲ هـ) ، و تلخیص ابو الفضل بن حجر (م ۷۶۲ هـ) ، عبدالله الزیلعی حنفی (م ۷۶۲ هـ) .
- (۱۵) حاشیه قطب الدین تحسانی رازی (م ۷۶۶ هـ) .
- (۱۶) حاشیه علاء الدین معروف بیهلوان .
- (۱۷) حاشیه اکمل الدین البارتی (م ۸۷۶ هـ) .
- (۱۸) حاشیه سعد الدین تفتازانی (م ۷۹۲ هـ) .
- (۱۹) حاشیه یوسف تبریزی (م ۸۰۴ هـ) .
- (۲۰) حاشیه شیخ الاسلام + سراج الدین + بلقینی (م ۸۰۵ هـ) .
- (۲۱) حاشیه سید شریف جرجانی (م ۸۱۶ هـ) .

- (۲۲) شرح خطبه کشف فیروز آبادی (م ۱۱۷ هـ).
- (۲۳) حاشیه ولی الدین أبوزرعۀ عراقی (م ۸۲۰ هـ).
- (۲۴) علی المولی برهان الدین حیدرروی (م ۸۳۰ هـ).
- (۲۵) حاشیه علاء الدین قوشچی (م ۸۷۹ هـ).
- (۲۶) حاشیه علاء الدین طوسی (م ۸۸۷ هـ).
- (۲۷) حاشیه احمد بن اسماعیل کوزانی (م ۸۹۲ هـ).
- (۲۸) حاشیه محیی الدین خطیب (م ۹۰۱ هـ).
- (۲۹) حاشیه شیخ الاسلام هروی معروف به حفید (م ۹۰۶ هـ).
- (۳۰) تعلیقات شمس الدین - ابن کمال باشا (م ۹۴۰ هـ).
- (۳۱) تعلیقات خیر الدین عطوفی (م ۹۴۸ هـ).
- (۳۲) تلخیص عبد الاول شهیر بأم ولد (م ۹۵۰ هـ).
- (۳۳) حاشیه مهدی الشیرازی (م ۹۵۶ هـ).
- (۳۴) حاشیه ابوالسعود عماری (م ۹۸۲ هـ).
- (۳۵) تعلیقات صنع الله مفتی (م ۱۰۲۱ هـ).
- (۳۶) حاشیه حامد بن مطفی قاضی (م ۱۰۹۷ هـ).
- تا همین جا مقالات را پایان می دهیم به امید آنکه اندک فایده ای برای خوانندگان محترم دربر داشته باشد.

خلاصة ما جاء في المقال :

تفسير الكشاف للعلامة جارا لله الزمخشري من حيث قيمته التاريخية العلمية يعتبر كأثر فريد من ثروة فكرية للمعتزلة وهو حافل بالكثير من الآراء والمصادر القيمة التي اعتمدها جارا لله ورجع اليها ونقدها و اضاف اليها .

والملاحظ ان الزمخشري في اغلب الامر لا يحفل بذكر المصادر التي استقى منها تفسيره و من اجل هذا ومن اجل الوقوف على الثروة العلمية وثقافته الغنية رايانا ان تكشف ما امكنتنا عن هذه المصادر وقد جئنا في هذا المقال بمصادر اللغة والادب ، مصادر التفسير ومصادر الفقه والحديث ومصادر القراءات وغير ذلك ما يوضح لنا الاتجاه الفكري والعقلي للزمخشري واضفت على ذلك ما كتبه العلماء من الهوامش والشروح على الكشاف بقدر الطاقة .

(١) (١٢٠١ هـ) رتبه كتابه في التفسير (١٢٠١ هـ) .

(٢) (١٧٦٠ هـ) رتبه في التفسير (١٧٦٠ هـ) .

(٣) (١٧٦٠ هـ) رتبه في التفسير (١٧٦٠ هـ) .

(٤) (١٧٦٠ هـ) رتبه في التفسير (١٧٦٠ هـ) .